

پرده نقره ای

عملکرد پخش کنندگان فیلم، از زاویه‌ای دیگر

فروش‌های خنده‌دار



امیرحسین علم‌الهدی کارشناس سینما

● دعوای بین فعالان سینما در رابطه با نحوه عملکرد پخش‌کنندگان فیلم را حتما شنیده‌اید و لازم می‌دانم یکبار دیگر این دعوا را از زاویه‌ای دیگر، کالبدشکافی کنم تا ببینیم در لایه‌های زیرین این دعوا چه نیتی نهفته است.

مقرر شده دفاتر پخش فیلم در سال آینده، فقط چهار فیلم سایر تولیدکنندگان را بتوانند جذب کنند و با تولیدات خود در سینماهای کشور نمایش دهند. از مجموع ۲۴ تا ۲۸دتر پخش فیلم در ایران تنها پنج تا هفت‌شرکت پخش فعال هستند و از این تعداد، شرکتی به نام فیلمیران با مشارکت تولیدکنندگان فعال سینمای ایران از سال ۱۳۸۴ تا به امروز توانسته است گوی سبقت را از سایر شرکت‌ها برپاید و این موفقیت، آغازی شده است برای دستورالعمل فوق‌الذکر که بتوانند در ظاهر این شرکت را مدیریت کنند و با شعار عدالت، در میان پخش‌کنندگان، از مغیوب‌شدن سایر شرکت‌ها خودداری کنند. شرکت فیلمیران با مجموعه ۲۰۰کارمند و ساختمانی مجزا و تعدادی اجاره سینما و مالکیت آن توانسته است تا حدودی به‌عنوان الگوی شرکت پخش در سینمای ایران فعالیت کند و از میان ۲۴شرکت دیگر تمامی شرکت‌ها با یک یا دوکارمند که عمدتا هم ازکارافتاده هستند تصمیم گرفته‌اند در پوشش عنوان «عدالت» فعالیت شرکت موفقی را «محدود» کنند.

این ظاهر موضوع است و بهتر است حال به باطن موضوع بپردازیم. یکی از فاکتورهای موفق فعالیت‌های سینمایی در تمام دنیا تشکیل شرکت‌های پخش بزرگ با مالکیت و اجاره سالن‌های سینما است تا بتوانند ضمن مدیریت بر تولیدات سینمایی حسب سفارش بازار نسبت به مدیریت بر حوزه پخش و نمایش سینما اقدام کنند.مهم‌ترین دلیل اصرار سیاست‌های سینمایی در کشورهای دارای صنعت سینما به این روش حفظ ارتباط بازار با تولیدات سینمایی است که شرکت‌های پخش به‌عنوان حلقه اصلی این ارتباط وظیفه «سفارش‌گیری از بازار» را برعهده دارند و نبض سفارشات تولید فیلم را به تولیدکنندگان از طریق شرکت‌های پخش که رابطه مستقیمی با بازار دارند شکل می‌گیرد. اکثر کشورهای دارای صنعت سینما سالانه بین ۲۰۰ تا ۵۰۰فیلم در مجموعه سینماهای خود (هر کشور این تعداد) به‌نمایش می‌گذارند و شرکت‌های پخش به صورت محدود «تا نهایتاً ۱۰شرکت» در این کشورها فعالیت می‌کنند (به‌عنوان مثال در امارات عربی متحده تنها سه تا چهار شرکت وظیفه‌ا کران حدود ۴۰۰فیلم را بر عهده دارند). هزینه بالای پخش فیلم در ایران «با مقیاس داخلی» و سایر کشورهای جهان، امکان فعالیت تشکیل پخش‌های «زیرپله‌ای، آنچه در ایران گروهی می‌خواهند دوباره این پخش‌ها به این روش شکل بگیرند.» ندارد و شرکت‌های پخش، چهاره‌ای ندارند برای بقا، تعداد زیادی فیلم با گردش مالی مطلوب در طول سال داشته باشند تا بتوانند هم تولید را مدیریت کنند و هم نسبت به افزایش سالن‌های سینمایی تحت مدیریت خود اقدام کنند و ایران با تنها ۵۰فیلم‌اکران در طول سال حال می‌خواهد برای ایجاد «عدالت» دفاتر متروکه‌ای را دوباره احیا کند که سالیان سال است این دفاتر حاضر به سرمایه‌گذاری در این بخش نشده‌اند و برای حفظ منافع کوچک شخصی خود، حاضرند منافع بزرگ سینما را نابود کنند.

و اما نیت اصلی بانیان چنین دستورالعمل ضدتوسعه سینما چیست؟ در پشت این ظاهر فریبنده (عدالت در پخش فیلم) تولیدکنندگان فیلم‌های نازلی قرار دارند که سفارش تولیداتشان از سوی بازار مخاطب شکل نمی‌گیرد و به شدت از شکل‌گیری دفاتر پخش سینمایی بزرگ با سرمایه و سالن سینما (ظرفیت سینمای ایران با این بضاعت، بیش از چهار دفتر پخش حداکثر نیست) وحشت دارند چون می‌دانند با شکل‌گیری سفارش تولید فیلم از بازار مخاطب سینما در ایران دیگر نه از تولیدات دولتی پرخرج خبری خواهد بود -به تولیدات بی‌حاصل دولت در این چهارسال نگاهی بیندازید- و نه از تولیدات نازلی که مخاطبان را سالیان سال است که از سینما فراری داده است و رمز موفقیت تولیدکنندگان نازل فیلم در ایران، شکل‌گیری دوباره «پخش‌های زیرپله‌ای» است که همچنان در سیطره تولیدات نازل به «روزی» نازل‌تر از تولیدات بسنده کنند و سینما همچنان با فروش‌های خنده‌دار، جولانگاه عده‌ای باشد که می‌خواهند «قد» سینما «هم‌قد نازل» خودشان باشند و نه «قدی» که نشان‌دهنده صلابت و بالندگی سینمای ایران است!

و گویا سازمان سینمایی دولت یازدهم هم مهر تاییدی زده است بر این دستورالعمل ضدتوسعه و رونق سینما در ایران که نشان‌دهنده فقدان «تدبیر» در امور سینمایی و «امید» در توسعه آینده سینما در دولت یازدهم در این بخش مهم سینما است و...



پرویز کلاتسری، نقاش صاحب سبک ۸۲ساله کشورمان که این روزها دوره‌های مختلف از آثارش به روی دیوار گالری بوم در معرض تماشای علاقه‌مندان است، در گفت‌وگویی اختصاصی با «شرق» از طرح ویژه هنری‌اش برای پایتخت می‌گوید؛ طرحی که در قالب یادمانی شهری سه مولفه را دربر دارد: نام‌های پراوازه فرهنگی - هنری ایران را ضمن نوعی گرامیداشت، مانا نگاه می‌دارد، جامعه قبیله‌ای هنرهایمان که بی‌خبر از هم هستند را به هم نزدیک می‌کند و اتمسفر و فضایی فرهنگی گردآوردش پدید می‌آید که می‌تواند زمینه‌ساز خلق پاتوق‌های هنری شود.

کلاتسری، این کانسپچوال آرت شهری را از یادمانی در پارک اوکلند آمریکا الهام گرفته که طرحی از او نیز در دهه ۶۰ شمسی در آن، جای داده شده است. گویا او این طرح را برای بررسی و اجرا در اختیار احمد مسجدجامعی، رئیس شورای شهر تهران قرار داده است. او در توضیح شکل‌گیری ایده مزبور به «شرق» گفت: «حوالی آغاز جنگ ایران و عراق بود، دخترم به آمریکا مهاجرت کرد، من بعد از چندسال به دیدارش در برکلی رفتم، در مدت اقامتم در آنجا با دوستان قدیمی که همگی در دانشگاه برکلی تدریس و در دفتر مطالعات خاورمیانه آنجا رویدادهایی خلق می‌کردند، دیدارهای پیوسته‌ای داشتم تا آنکه دکتر اردوان داوران و سایر دوستان، پیشنهاد دادند یک سخنرانی تحقیقی درباره روند موج نوی نقاشی ایران در دانشگاه برکلی ارایه دهم. ابتدا با شوق پذیرفتم اما وقتی فهمیدم مدتی پیش‌ترش محمود عنایت از لس‌آنجلس آمده آنجا سخنرانی کرده و فقط چهار، پنج نفر از آن استقبال کردند، کمی تا قسمتی پشیمان و دچار استرس شدم، میداد سخنرانی من هم با کم‌اعتنایی مواجه شود؛ ولی دست به قضا روز سخنرانی چنان جمعیتی به دانشگاه برکلی آمد که حتی راهروی اطراف سالن هم جایی برای ایستادن پیدا نمی‌شد، من در آن سخنرانی با نمایش برخی آثار بزرگان هنر ایران، تلاش کردم تصویرهای جامع و حقیقی از روند موج نوین در کشورمان ارایه دهم. بگذاریم که در پرسش و پاسخ‌ها، سوالات تند سیاسی هم پرسیده می‌شد که من به دلیل بی‌زاری همیشگی از سیاست، ندانه از آنها خالی می‌دادم.»

کلاتسری افزود: «از محاسن این سخنرانی آشنایی با بسیاری از نقاشان آمریکایی بود، یکی از آنها «برند» نام داشت که هر یکشنبه با اتوبمبیش به دنبال من می‌آمد

بهمن فرمان‌آرا:

جای ژیلَا مهرجویی در سینمای ایران خالی است



محمد تاجیک: روز

شنبه ساعت ۱۰ صبح سینماگران مطرح به خانه سینما آمده بودند

تا با ژیلَا مهرجویی «بانوی طراح سینمای ایران» وداع کنند. هر

چند از قبل ساختمان

کوچه سمنان به عنوان

محل مراسم تشییع پیکر ژیلَا مهرجویی مشخص شده بود؛ با این حال پیکر آن مرحوم مستقیما از بهشت‌زها به طالقان منتقل شد. عموم سینماگرانی که در خانه سینما حضور یافته بودند از فقدان ژیلَا مهرجویی غمگین بودند به گونه‌ای که فرشته طالپور در حالی که اشک بریخت در این مراسم حاضر شده بود، اشک‌های خنم طالپور برای ژیلَا مهرجویی از دید عکلسان پنهان نماند. فرهاد توحیدی، جهانگیر کوثری، مریم بوبانی، فرشته طالپور، ملکجهان خزایی، رضا کیلانی، لادن طاهری، احمد امینی، علی مصفا، عزیز ساعتی، میترا محاسنی، نظام‌الدین کیایی، غزل شاکری، رضا درمیشیان، باران کوثری، رخشان بنی‌اعتماد، محمدمهدی عسگرپور، نگار جواهریان، مسعود فراستی، کامران ملکی، مانی حقیقی، مجتبی میرطهماسب و... از جمله سینماگرانی بودند که در این مراسم حضور داشتند؛ مراسمی که به گفته توحیدی می‌توان نام یادبود را روی آن گذاشت. پروین

ادامه از صفحه ۷

بحران در فلسفه و علوم‌انسانی

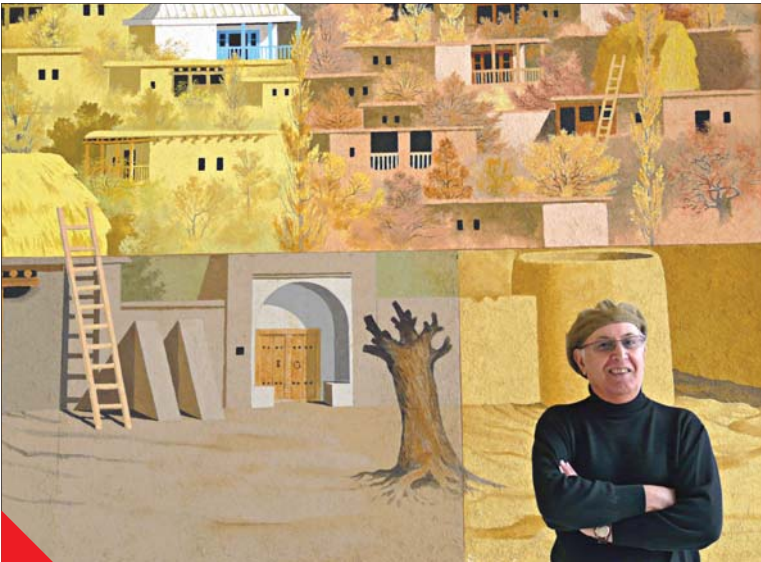
از این‌رو، تبدیل‌شدن فلسفه به کالایی که یونسکو بیش از یک‌دهه خود را موظف کرده که در حراج سومین پنجاهینه نوامیر هر سال به خود وضعیت‌های غیراضطراری و غیرسیاسی بدهد عجالتا یک معنا را پیش می‌کشد؛ غیراعتراضی و انتقادی‌شدن و فاصله‌گیری حداکثری فلسفه از سیاست؛ سیاست در مقام تلاش برای ادامه تفکر در عصری که تفکر کردن بیشتر به امری غیرضروری و اضافی یا حتی ناممکن بدل شده است. بنابرین در شرایطی که نقش فلسفه در حرکت‌های اجتماعی بیش از هر زمانی به محلی رفته است این وضعیت نشان‌دهنده بحران در فلسفه و علوم‌انسانی است. بر این اساس، فلسفه و علوم‌انسانی از یک‌مسو با بحران و تنش سروکار دارد و از سوی دیگر باید امکان نقد درون‌ماندگار را همچون مششیر دموکوس بالای سر خود احساس کند؛ پیش‌شرط چنین چیزی اساسا فاصله‌گرفتن از قدرت برای نقد آن است. از این‌رو، منطق قربانی‌شدن بر اساس سیاست بازماندنی درخصوص فلسفه،

هنر

طرح ویژه پرویز کلاتسری برای تهران، تقدیم شورای شهر شد

یادمان شهری هنرمندان ایرانی

آزاده جعفریان



عکس: سید آرزو ضیاء

کرد و از بازتاب سخنرانی‌هایم گفت، این خاتم مدتی طولانی به من نگاه کرد و گفت: «تو هم دوست‌داری یک یادگاری روی دیوار داشته باشی» من هم استقبال کردم، یک سرامیک به من داد و پشت میز بزرگ نشستم.» نقاش خانه‌های کاهگلی ایران در ادامه گفت: «نگاهی به نقاشی‌های روس‌ها انداختم، دیدم نقاشان روس با رنگ‌های بسیار متنوع و الوان سرامیک‌ها را پر می‌کنند، اما من تنها رنگ سیاه و سفید را برگزیدم تا در ساده‌ترین شکل، فکرم را به نمایش بگذارم؛ من در حوالی جنگ ایران و عراق، طرح دو دل‌داه را بسیار ساده روی سرامیک طراحی کردم، همان دل‌داه‌هایی که روی پارچه‌های قلم‌کاری و نیز نقاشی‌های ایرانی نقش‌شان را می‌بینم، مرد در حال هدیه‌دادن گل به زن بود و لیخند و آرامشی در نگاهشان دیده می‌شد، دور این سرامیک را به نشانه حریم خصوصی آنها به پهنای دو سانتیمتر یک کادر سیرامیک نقاشی کردم اما سقف این کادر در اثر یک بمب شکاف برداشته و بمب به حریم خصوصی این دو دل‌داه تجاوز کرده بود.»

وی اضافه کرد: «کار که تمام شد همه دست زدند و سرامیک من در کنار سایر هنرمندان در دیوار نمادین پارک اوکلند به یادگار ماند، اما همان‌اثر، آن روز در میان حاضرین بحث تحمیلی به ایران را نقل

مجلس کرد و من از رنجی که در ایران از این جنگ ناخواسته برده می‌شد گفتم؛ از مردمان صلح‌طلب، شاعر و ادیب ایرانی گفتم و از بمباران بی‌رحمانه عراق که حتی شهرها و روستاهای ما را میدان جنگ کرده بود.» کلاتسری سپس گفت: «سال‌ها گذشت و ایده این یادمان در پس ذهن من ماند. تا اینکه سال گذشته به فکر اجرای آن افتادم. دیدم چه خوب است هنرمندان معاصر ایران در یک بنای نمادین یک یادگاری شهری برای پایتخت ایران و آیندگان بگذارند؛ طرحی ارایه کردم که با استفاده از نوع سرامیک‌های گانوبیدی در بارسالون و پارک گوتل این شهر پدید می‌آید و در آن دیواری شکل می‌گیرد که هر سرامیکش را یک هنرمند صاحب‌سبک بین‌المللی ایران امضا می‌کند، متن می‌نویسد، ردی می‌گذارد...»

پرویز کلاتسری این طرح را به دکتر احمد مسجدجامعی ارایه داده و آن را در جشن تولد استاد محمدرضا شجریان با نخبگان هنری کشور در میان گذاشته است؛ او درباره دیگر خصوصیات این طرح توضیحات بیشتری ارایه داده است:

«برای بازنمایی این طرح البومی هم تهیه کردم که به آقای مسجدجامعی دادم اما این طرح عبارت از بنایی مانومانتال است که برای شکل آن معماران تصمیم بگیرند اما در ادامه‌اش اتمسفر و فضایی پیرامون این بنا پدید می‌آید که به یک پاتوق فرهنگی - هنری برای تهران می‌انجامد، پاتوق‌های هنری که دیروز تهران بسیار داشت و امروز دیگر نشانی از آنها نیست، پاتوقی که هنرمندان در آن حاضر می‌شوند و مردم می‌توانند با آنها درباره آثارشان گفت‌وگو کنند. بازارچه‌های فروش آثار هنری، کتابفروشی و... می‌تواند این راسته هنری را تکمیل کند.»

این نقاش تاکید کرد: «تهران شایسته چنین راسته و چنین طرحی است، از این رهگذر قبیله‌های هنری ما که از هم بی‌خبرند با هم دیدارهایی تازه می‌کنند و مردم فرصت دیدار هنرمندانشان را می‌یابند و آیندگان به هم‌شهری‌بودن با شجریان، عباس کیارستمی، اصغر فرهادی و... افتخار می‌کنند.»

پرویز کلاتسری در پایان با ابراز خوشبینی به اینکه طرح یادمان شهری او به مرحله اجرا درآید ابراز تاسف کرد بزرگانی نظیر فریدون مشیری و دیگر بزرگان زنده‌یاد، نیستند تا سرامیک خود را امضا کنند و بر این دیوار نمادین نصب کنند.

چهاره روز

رخشان بنی‌اعتماد با «قصه‌ها» به جشنواره فجر می‌آید



● **شرق:** رخشان بنی‌اعتماد، کارگردان مطرح سینما از حضور فیلم «قصه‌ها» در جشنواره فیلم فجر خبر داد. بنی‌اعتماد روز شنبه در مراسم یادبود مرحوم ژیلَا مهرجویی در پاسخ به سوال خبرنگار پارس تورسم درباره وضعیت فیلم قصه‌ها گفت: این فیلم برای صدور پروانه نمایش به وزارت ارشاد ارایه شده است و نخستین نمایش آن در جشنواره فیلم فجر امسال خواهد بود.

قصه‌ها شش فیلم کوتاه است که در آن مطرح‌ترین بازیگران این سال‌های سینمای ایران بازی کرده‌اند. مهدی هاشمی، گلاب آدینه، فاطمه معتمدآریا، پیمان معادی، نگار جواهریان، باران کوثری، بابک حمیدیان، فرهاد اصلانی، محمدرضا فروتن، مهراوه شریفی‌نیا، حبیب رضایی و... بازیگران اصلی این فیلم هستند.

رخشان بنی‌اعتماد که با فیلم‌هایی چون ترگس، روسری آبی، زیرپوست شهر، گیلانه، خون‌بازی و... خالق بخشی از مهم‌ترین آثار تاریخ سینمای ایران است، در فیلم قصه‌ها نیز همانند دیگر آثارش راوی صادقی برای وقایع تلخ روزگار بوده است. نگاه متعهدانه و عدالتخواهانه او با آخرین ساخته‌اش تحسین منتقدان مطرح را برانگیخته است؛ چنان‌که منتقد مطرحی چون جواد طوسی در یادداشتی درباره فیلم «قصه‌ها» نوشته: «قصه‌ها» در حوزه «سینمای اجتماعی»، فیلمی متعهدانه و عدالتخواهانه است و مشکل ارزشی و اخلاقی ندارد. طوسی با اشاره به مجوز پخش ندادن به فیلم نوشته بود: بایکوت‌کردن اثری که شناسنامه‌ای درست و واقع‌بینانه از جامعه معاصر و طبقه‌بندی اجتماعی ناهمگونش ارایه می‌دهد و نگاهی غمخوارانه به اقصار فرودست و آسیب‌پذیر دارد و محروم‌ساختن مخاطبان جدی و پیگیر این فیلمساز از مشاهده آخرین کارش، نوعی جفا به سینمای اجتماعی است.



حقیقت بهترین راهنماست حمید